

بهارستان مطبوعه ۸

دوفصلنامه مطالعات نشریهای ادواری
سال چهارم، شماره ۸، بهار و تابستان ۱۳۹۷

روجا آبادیان، راضیه آبادیان، مهران آشوری، مریم اکبری، الهه باقری،
مریم ثقفی، ندا رسولی، مرضیه رسولی املشی، سید مهدی سید قطبی،
فرشاد قربانپور، شهرام قلی پورکودرزی، محبوبه محمد نژاد، مانده معیری.



به نام خداوند آموزگار
نگارنده نامه روزگار



دو فصلنامه مطالعات نشریه‌های ادواری
سال چهارم، شماره ۸، بهار و تابستان ۱۳۹۷
صاحب امتیاز: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

مدیر مسئول: حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی عماد
سر دبیر: کورش نوروزمرادی

مشاوران علمی:
مسعود کوهستانی‌نژاد، رضا زارعی قدیم،
آزاده حیدری، مهران آشوری

ویراستار: زهرا محمدنژاد
طراح نشانه و جلد: محسن احتشامی
طراح صفحات: نیلوفر سیفی‌پور
مترجم به انگلیسی: فاطمه جبارزاده
چاپ و لیتوگرافی: نقره‌آبی

مقالات مندرج در مطبوعات بهارستان
مبیین آراء پدیدآورندگان آنهاست.

نشانی: تهران - خیابان انقلاب اسلامی - رویروی منیما سینه
ساختمان فروردین - طبقه نهم - واحد سی و هفت. تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۶۴۱۲۱
وبگاه: www.ical.ir نشانی الکترونیکی: matbouat@ical.ir

فهرست مندرجات

- ◇ یادداشت مدیر مسئول ۵/
- ◇ جهان نو در قاب تاریخ، معرفی مجله جهان نو (۱۳۲۵-۱۳۵۰) ۷/
مآئده معیری
- ◇ دستورالعمل برای ایجاد مجموعه‌های دیجیتال بهترین شیوه‌های دیجیتال‌سازی برای متن/۳۲
مهران آشوری
مرضیه رسولی‌املشی
- ◇ وضعیت نشریات فکاهی و کاریکاتور در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۳۲ ۵۱/
ندا رسولی
- ◇ گذری بر سه نشریه علمی از دارالفنون تا سال ۱۳۰۴ شمسی ۷۰/
مریم ثقفی
- ◇ نظام توزیع مطبوعات مشهد در دوره قاجار ۸۵/
سیدمهدی سیدقطبی
- ◇ نگاهی به نشریه قیام زن ۱۱۹/
الهه باقری

۱۴۳/..... اثر

شهرام قلی پورگودرزی

۱۴۸/..... نگاهی به بشریه سیاسی - انتقادی زبان ملت

روجا آبادیان

۱۶۶/..... ندای ترقی یا نامه ادبی، اخلاقی و طبی

محبوبه محمدنژاد

۱۷۵/..... اشتباهات کتاب‌های حوزه تاریخ مطبوعات ایران

راضیه آبادیان

۱۹۳/..... چند دانه از خوشه

مریم اکبری

۲۰۲/..... اخبار مطبوعات

فرشاد قریانیپور

یادداشت مدیر مسئول

روزگاری که میرزا صالح کازرونی نخستین نشریه فارسی زبان ایران را در رمضان ۱۲۵۲ قمری منتشر کرد، فارسی زبانان در برونمرز بیش از سی عنوان نشریه فارسی زبان را منتشر کرده بودند. هند پیش قراول نهضت روزنامه نگاری فارسی در جهان است و ایران پس از قفقاز در ردیف سوم کشور انتشار دهنده نشریه فارسی زبان محسوب می شود. در فاصله حدود دو قرن از انتشار نخستین نشریه فارسی زبانان در بیش از بیست کشوری که در جهان رد پای زبان فارسی در آن ملموس است، هزاران عنوان نشریه فارسی از شاخ آفریقا گرفته تا سایر قاره های جهان منتشر شده است. این پراکندگی موجب شده که فرجام تعداد زیادی از این محمل های مفید و سودمند اطلاعاتی که هر کدام در ناحیه جغرافیایی متفاوت و در دوره زمانی از تاریخ نشر یافته، نامشخص و نامعلوم باشد. هنوز پایگاه اطلاعاتی ای یا فهرستی که تنها نام و اطلاعات اولیه نشریات فارسی زبان در جهان را یکجا لیست کرده باشد در هیچ کجا ایجاد نشده و این امکان در ایران هم هنوز فراهم نیامده است. در صورتیکه نهادهای متولی آن در ایران وجود دارد. دو فصلنامه مطبوعات بهارستان تنها نشریه فارسی زبان در جهان است که مأموریتش صرفا بررسی وضعیت نشریه های فارسی زبان و آرشیوهای مربوط به آن در ایران و جهان در طی دو سده اخیر است. آرشیوهای جراید غالبا آئینه تمام نمای جراید منتشره در کشور نیستند و اغلب نقص هایی دارند. چه بسیار نشریاتی که تنها در یک شماره و یا به تعداد انگشتان یک دست نشر یافتند و توفیق نشتن در قفسه آرشیوها را نیافته اند. نشریات فارسی زبانی که بخاطر این گم شده گی، نامشان در هیچ فهرست نیست ولی روزگاری آثار خوبی بر جوامع خودشان گذاشتند. نیز نشریاتی خطی، ژلاتینی که بصورت دیوار کوب در چند نسخه آگاهی رسانی می کردند و امروز در لابلای آرشیوها گم شده اند. امروزه میان فهرست ها و آرشیوهای روزنامه ها چالش بزرگی مشهود است، فهرست ها از نشریاتی می گویند که در هیچ آرشیوی مشاهده نمی شوند، بعنوان

نمونه کتاب فهرست های مطبوعات دوره قاجار تعداد نشریات منتشر شده در این دوره را به بیش از هزار عنوان سیاهه کرده است در حالیکه موجودی نشریات دوره قاجار در تمامی آرشیوهای کشور به پانصد عنوان نمی رسد. بنابراین پیش بینی می شود هنوز تعداد زیادی از روزنامه های قدیمی در آرشیو های شخصی خانگی وجود داشته که در آرشیوهای رسمی و دولتی یافت نمی شوند و یا احتمالا تعدادی از این نشریه ها برای همیشه معدوم شده و در دسترس هیچکس نیست و فقط با واسطه و بی واسطه نامی از آنها در فهرست ها برجای مانده است. راه دوری نرویم در سه ماهه اول پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بیش از سیصد عنوان روزنامه و مجله توسط احزاب و گروههای سیاسی منتشر شده است که نیمی از آن در هیچ آرشیو مطبوعاتی موجود نیست. انقلابی که در چهل سالگی خود بسر می برد ، نیمی از مدارک تحقیقاتی درجه اولش از نوع ادواری ها را هنوز آرشیو نکرده است. ماموریت دیگر این مجله آسیب شناسی این چالش هاست تا تحقیق پژوهشگران بی نقص و کم نقص انتشار یابد.

هر چند روزنامه ها اکنون در فضای جهانی شدن اطلاعات و عصر شبکه های مجازی به چالش کشیده شده است اما به مرحله مرگ مطبوعات کاغذی نرسیده اند . هنوز روزنامه های چاپی در کنار جراید هیبرید و الکترونیکی زندگی مسالمت آمیزی را دارند اگرچه نشریات چاپی در سالهای اخیر شاهد دچار افت شمارگان و افت درآمد بوده اند ، ولیکن روزنامه ها بیش از چهارصد سال است که در جهان در حال شکل دادن به افکار عمومی هستند و هنوز جزو شکل های محبوب و معتبر رسانه ای در عرصه اطلاع رسانی به حساب می آیند. انتشار تحلیل محتوای نشریات جاری ادواری که از زیر شاخه های رشته علوم اجتماعی و ارتباطات است ، بار دیگری است که بر دوش این نشریه نهاده شده است ، امید است که این مجله با پدید آوردن گانش بتواند از مطالب و اکتشافات نو ، جامعه را بهره مند نمایند.

سید علی عماد
مدیر مسئول

جهان نو در قاب تاریخ معرفی مجله جهان نو (۱۳۲۵-۱۳۵۰)

مائده معیری*

چکیده

جهان نو از معدود نشریات نوگرایی بود که حاوی نکات تازه‌ای از مطالب روز دنیا، در برهه‌ای از تاریخ است که جامعه به شدت نیازمند چنین مطالبی بود تا سطح درک و فکر افراد را برای ورود به جهانی نو آماده کند. به دلیل دسترسی به تعداد محدودی از شمارگان این مجله، سعی بر آن شده به ذکر چکیده‌ای از محتویات درونی چند شماره از این مجله پرداخته شود تا علاوه بر معرفی مطالب، نویسندگان، مترجمان و وقایع آن برهه از تاریخ، زمینه آشنایی خوانندگان با یکی از مهم‌ترین نشریات علمی و اجتماعی ناشناخته فراهم شود.

کلیدواژه: جهان نو، مجلات نوگرا، نشریه، مرتضی کیوان، مجله‌های قدیمی.

مقدمه

جهان نو مجله‌ای علمی، اجتماعی و ادبی بود که در خرداد ۱۳۲۵ پا به منصه ظهور نهاد. نخستین و دومین شماره آن به صورت ماهانه و سپس به صورت دوهفته‌نامه منتشر شد. این نشریه با نگاهی همه‌جانبه به مسائل ادبی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایران، یکی از نشریات پیشرو در حوزه فرهنگ محسوب می‌شد.

*. کارشناس ارشد ایران‌شناسی از دانشگاه شهید بهشتی

صاحب‌امتیاز و گرداننده جهان‌نو حسین حجازی بود. او توانست جمع‌کثیری از نویسندگان جوان را به حوزه فعالیت خود بکشاند. در ابتدا، علی منصوری سردبیری این نشریه را به عهده داشت و در ادامه انتشار، مرتضی کیوان و امین عالیمرد به ترتیب، عهده‌دار این سمت شدند. این مجله تا سال ۱۳۳۱، تقریباً به‌طور مرتب منتشر می‌شد، اما پس از آن، سیر نزولی به خود گرفت؛ به‌گونه‌ای که فقط برای بقا و اجازه امتیاز نشر، سالی یک یا دو شماره از آن منتشر می‌شد. این روال تا سال ۱۳۴۴ ادامه یافت تا سرانجام در سال ۱۳۴۵ به‌صورت ماهانه دوباره کار خود را از سر گرفت.

«در این دوره، مجله جنبه‌ای جدی به خود گرفت و دو سه شماره از دوره جدید آن با همکاری رضا براهنی، جلال آل‌احمد و جمعی از نویسندگان مشهور به چاپ رسید. بعد امین عالی‌مرد همچنان مجله را به همان روال ادامه داد.»^۱

جهان‌نو در مجموع ۲۰ سال در قطع رحلی (۱۳۲۵-۱۳۴۴) و ۶ سال در قطع وزیری (۱۳۴۵-۱۳۵۰) منتشر شد.

در میان نویسندگان ادیب و سرشناس این مجله، می‌توان سعید نفیسی، عباس شوقی، علی جواهرکلام، خان‌بابا طباطبایی، محمدعلی اسلامی‌ندوشن، محمدجعفر محجوب، عبدالحسین زرین‌کوب، جعفر شریعتمداری، مصطفی فرزانه، اصغر فتحی، علی‌اکبر کسمایی، جمشید بهنام و سیروس ذکاء را نام برد که آثارشان در این نشریه به چاپ رسیده است؛ کمالینکه بسیاری از این نویسندگان، در آن زمان، نو‌قلم‌های جوانی بودند که امروزه در زمره فرهیختگان و ادبای اهل قلم، آشنای خاص و عام هستند.

در مقام مقایسه، جهان‌نو را می‌توان دنباله‌روی راه‌نو دانست؛ با این تفاوت که جهان‌نو بیشتر به مسائل اجتماعی و انتقادی توجه نشان داد، در صورتی که کفّه مسائل علمی نسبت به مسائل اجتماعی در راه‌نو سنگین‌تر بود. جهان‌نو همچنین مشابهت‌های بسیاری با مجله سخن داشت که یکی از مهم‌ترین نشریات نوگرا بود و نخستین شماره آن در سال ۱۳۲۲ به سردبیری ناتل خانلری منتشر شد.

به عقیده شمس‌لنگرودی، «خط‌مشی ادبی جهان‌نو چیزی در حد سخن است و عمده اثر مثبت آن، همچون «سخن» در ترجمه اشعار خارجی و معرفی شاعران و نویسندگان برجسته جهان چون هاینریش هاینه، شیلر، آلفرد دوموسه، هوگو، چخوف، پل الوار، ولز، آراگون و... است.»^۲

لنگرودی همچنین یکی از ملاک‌های نوگرایی را انتشار اشعار نو در مجله‌ها دانسته و در

مقایسه اشعار این دو نشریه، معتقد است جهان نو در پیشبرد شعر مدرن نقش چندانی ندارد، اما مزیت آن بر مجله سخن، چاپ چندین شعر نیمایی است. عمده اشعار مندرج در جهان نو، شعرهای قدیم و نو قدمایی از شهریار، صادق سرمد، عبدالحسین زرین کوب، مرتضی کیوان، تورج فرازمند (شعر نیمایی)، گلچین گیلانی و به ویژه غزلیات هوشنگ ابتهاج است.^۳

آشنایی با تعدادی از دست‌اندرکاران مجله حسین حجازی (۱۲۷۹-۱۳۵۹)، مترجم و روزنامه‌نگار

«حسین حجازی از مردم ملایر، مدیر مجله جهان نو و دانش‌آموخته بیروت بود. دوران خدمات اداری او در وزارت راه گذشت. در آنجا، مدت سه چهار سال سردبیری نامه راه را برعهده داشت و در آن مجله، نوشته‌های ادبی-اجتماعی را از نشریات خارجی ترجمه و منتشر می‌کرد. چندی سردبیری مجله راه نو را پذیرفت و پس از آن، از سال ۱۳۲۳ به چاپ و نشر مجله جهان نو پرداخت. صاحب‌امتیاز مجله و گرداننده و پخش‌کننده آن بود.

حسین حجازی سعی می‌کرد تازه‌ترین نوشته‌های علمی و اجتماعی را از منابع زبان انگلیسی ترجمه و چاپ کند. سعی دیگر او آن بود که مجله به هیچ وجه حاوی مطلب مضّر برای خوانندگان نباشد. دلش می‌خواست مجله محرم خانواده‌ها باشد و صدمه‌ای به اخلاق جوانان و نوجوانان نرزد و دانش آنان را وسعت بخشد. حسین حجازی در چند سال اواخر عمر، کتابخانه شهرداری تهران را تأسیس کرد.

از ترجمه‌های مستقل او که به چاپ رسیده است، می‌توان به کتاب‌های بزرگ‌ترین شخصیت در تاریخ بشریت نوشته م. زمیر، انسان آینده نوشته لیونارد داروین و عصمت عروس می‌شود به قلم گرین و یشرین اشاره کرد. او در هشتاد سالگی درگذشت و در قبرستان لویزان به خاک سپرده شد.^۴

مرتضی کیوان (۱۳۰۱-۱۳۳۴)، روزنامه‌نگار، نویسنده و شاعر

«او از مردم همدان بود و در نوجوانی به تهران آمد و خدمت اداری خود را در وزارت راه شروع کرد؛ در آنجا، با مجله نامه راه آشنا شد که این مجله بعدها به راه نو و سپس به جهان نو تغییر نام داد. او زندگی فرهنگی خود را با این نشریه - که جنبه علمی، هنری و ادبی داشت - آغاز کرد و مدتی سردبیری مجله بانو و جهان نو را به‌عهده داشت. از سال ۱۳۲۷ ش. به همنشینی با توده‌ای‌ها تمایل نشان داد و به تدریج از جهان نو خارج

شد. بسیار مطالعه می‌کرد و مطالعه‌اش بیشتر به کتاب‌های ترجمه‌شده اختصاص داشت و از این رهگذر، با ادبیات غربی - به‌ویژه ادبیات روسی - آشنا شد. نثر را روان می‌نوشت و در نوشتن نامه‌دوستانه بسیار توانا بود. او شعر هم می‌سرود و شعرهایش در جهان نو و بعضی دیگر از نشریه‌ها چاپ می‌شد. در مجامع ادبی و دوستانه شرکت می‌کرد. چندی پس از ۲۸ مرداد، با جمعی از افسران عضو حزب توده ایران گرفتار و همراه با یازده نفر از این گروه کشته شد.

مصطفی فرزانه در کتابی به نام بن‌بست، نامه‌های کیوان را که از سال ۱۳۲۹ - ۱۳۳۱ ش. از پاریس به او نوشته چاپ کرده است.^۵

امین عالیمرد (۱۳۰۶ - ۱۳۸۲)، نویسنده، مترجم و استاد دانشگاه

«او عضو هیئت‌امانی بنیاد مطالعات ایران و از استادان برجسته دانشکده علوم سیاسی دانشگاه ملی بود. وی علاوه بر تدریس علوم سیاسی و اداری، در دوره‌ای نیز سردبیر مجله جهان نو بود. او علاوه بر نوشتن برای مجله از زبان‌های دیگر نثر و شعر ترجمه می‌کرد و ترجمه‌هایی روان و سلیس داشت.

عالیمرد در سال ۱۳۵۳ به معاونت وزارت کشور و یک‌سال پس از آن، در سال ۱۳۵۴، به دبیرکلی سازمان امور اداری و استخدامی کشور منصوب شد.

کارش چنان مفید بود که پنج نخست‌وزیر - امیرعباس هویدا، جمشید آموزگار، جعفر شریف‌امامی، غلامرضا اژه‌اری و شاپور بختیار - هریک متعلق به سنخ و سیاستی متفاوت، از او مصرا نه خواستند به همکاری با آنها ادامه دهد.

اوپس از انقلاب اجباراً ترک‌وطن کرد و با همسر و دو فرزندش مقیم آمریکا شد و زندگی تازه‌ای را پی‌ریخت.

وی پس از چندی به کادر آموزشی دانشگاه ایالت ویرجینیا در ریچموند پیوست و تا سال ۲۰۰۳ که به علت بیماری درخواست بازنشستگی کرد، در دانشکده علوم انسانی آن دانشگاه به تدریس دروس گوناگون در رشته مدیریت و علوم اداری مشغول بود. وی سرانجام در ۷۶ سالگی در شهر ریچموند ویرجینیا چشم از جهان فرو بست.^۶

اهداف و رویکردهای جهان نو

جهان نو در هر شماره از مجله، اهدافی را برای پدیدآوردن این نشریه برشمرده است و مقصود از طبع مجله را بیان کرده است. در سرمقاله نخستین شماره، درباره اهداف مجله چنین آمده است: «این مجله با نام پرمعنایی که دارد هنگامی منتشر می‌شود که جهان نو در کار پیدایش است. امروز یکی از دقیق‌ترین و خطرناک‌ترین ایام عمر بشر است. چنانچه دول بزرگی که عهده‌دار تنظیم و تنسيق دنیای پس از جنگ هستند، بتوانند اختلافات را با روح و خلق انسانی برطرف کرده، جمعیت بشر را آرام بگذارند، جهان نو به‌وجود آمده است، ولی اگر در جاه‌طلبی و نگاهداری اوضاع کنونی همچنان اصرار نمایند، بدون شبهه، بشر دچار چنان مصیبتی خواهد شد که خرابی‌های جنگ جهانی دوم پیش آن ناچیز خواهد بود، اما با آنکه ابرهای تیره در فضا متراکم است و محیط برای تولید جرقه‌های آتشین خوب مهیاست، امیدواریم که بالاخره عقل و تدبیر، متانت و شکیبایی بر عفریت نفاق چیره شود و به‌زودی جهانی نو به‌وجود آید.»^۷

این مقاله مقصود از طبع چنین مجله‌ای را بالا بردن سطح فرهنگ مردم دانسته و بیان می‌دارد: «هدف جهان نو این است که برای طبقات مختلف جامعه و کسانی که طرفدار مطالعه مطالب جدی بوده و اهل تأمل در نکات و مسائل اجتماعی، علمی و فرهنگی بین‌المللی هستند، چیزهای خواندنی فراهم کند. جهان نو با نشان دادن بهترین قسمت‌های ادبی، اخلاقی و اجتماعی ایران، سعی خواهد نمود افکار و ترشحات قلمی اساتید فن اروپایی را که ترقی‌خواه هستند به جامعه ایرانی معرفی نماید... جهان نو در روش، تابع و پیرو همان فکر و سبک راه نو خواهد بود؛ با این معنی که در انتقادات متعزّض کسی نمی‌شود و در نوشتن مسائل اجتماعی جانب‌داری نمی‌کند و در نشان دادن پیشرفت‌های علمی، حدود و ثغوری برای خود قائل نیست و در اظهار عقیده از چپ و یا راست حمایت نمی‌کند. جهان نو زبان حال آن حزب و آن جمعیت و آن یگانه فردی است که بدون خودداری و بدون ریاکاری، وقت و همت خود را صرف ابناي خویشتن و ترقی ایران می‌نماید.»^۸

بررسی مندرجات چند شماره نخست
شماره اول - خرداد ۱۳۲۵



نخستین شماره از مجله جهان نو مزین به تصویر دوشیزگان دبیرستان نوربخش تهران است که در حال دریافت دانشنامه از وزیر فرهنگ وقت هستند. این مجله با درج چنین تصویری در نخستین شماره، موضع خود را درباره تحصیل زنان آشکار کرده که گویای این واقعیت بوده که داشتن جهانی نو، مستلزم دارا بودن دوشیزگانی آگاه و روشنفکر است که مادران آینده و پرورش دهنده نسل‌های فرهیخته آتی‌اند؛ در حقیقت یعنی داشتن جهانی نو با انسان‌هایی اندیشمند که همه چیز در آن در حد اعلای کمال باشد، جز با افزایش درک و

سطح علمی مادران و مشارکت آنها در فعالیت‌های اجتماعی میسر نمی‌شود. پس از فهرست مندرجات که در ادامه به آن خواهیم پرداخت، در انتهای سمت راست صفحه، عناوین دست‌اندرکاران مجله به چشم می‌خورد. صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول آقای حسین حجازی، مدیر و سردبیر آقای علی منصوری (لیسانسه از دانشگاه آمریکایی بیروت) و مدیر قسمت فنی حسین حقایقی هستند. در انتهای این قسمت آمده تمام مکاتیب به نام اداره و مدیرمسئول: دربند دکتر افشار- تهران است.

این شماره که در قطع رحلی منتشر می‌شد، مجموعاً ۳۸ صفحه داشت که در تهران با قیمت ۱۰ ریال به فروش می‌رسید و وجه اشتراک، آن در تهران ۱۲۰ ریال و در شهرستان‌ها ۱۳۵ ریال بوده است.

در قاب کوچکی در انتهای این صفحه نیز درباره انتشار نخستین شماره چنین آمده است: «طلیعه جهان نو سال قبل چاپ شد، ولی این شماره را اول نام نهادیم. شماره دوم را در تیرماه و از آن به بعد، هر پانزده روز ۲۴ صفحه منتشر خواهد شد. امیدواریم از نیمه سال آن را هفتگی چاپ کنیم.»^۹

«گداهای کاسب- کاسب‌های گدا» عنوان نخستین مقاله است. در این مقاله انتقادی، نویسنده وضعیت دشوار معیشت و بالابودن نرخ ارزاق و کالاها را بهانه کرده و در جستجوی علت آن برمی‌آید. وی معتقد است غیر از احتکار و جمع کردن کالاها، مشکل اصلی، طبقاتی از جامعه هستند که ظاهراً شاغل بوده، اما در اصل بیکارند. وی با اشاره به دوره‌گردان و دستفروشان - که ظاهراً به یکی از دغدغه‌های اصلی مؤلف بدل شده‌اند- و با اشاره به زندگی سخت و طاقت‌فرسای آنها، معتقد است این دسته از افراد برای امرارمعاش و گذران زندگی خود و افراد تحت تکفل باید کالاهای خریداری‌شده خود را به چند برابر بالای قیمت بفروشند تا بتوانند بخشی از هزینه‌های سنگین زندگی را تأمین کنند و چاره حل این مشکل را اینگونه بیان می‌دارد: «اگر شهرداری و آنان که می‌خواهند بهای ارزاق و کالاها پایین بیاید و می‌خواهند این قبیل افراد که شمارشان مطابق جمعیت و مولد ثروت است گرسنه نمانند... ناچار باید اول کاری برایشان در نظر بگیرند تا بهای اجناس خودبه‌خود پایین بیاید، وگرنه در حقیقت، با رسیدگی‌های سخت و مجازات‌های بسیار ممکن است تا حدی از نرخ ارزاق و کالاها کاسته شود، ولی به همان اندازه بر فقر و فاقه عمومی افزوده خواهد شد.»^{۱۰} نویسنده نیل به این مقصود را محتاج برنامه مفصل، دولت نیرومند، نقشه‌ای تغییرناپذیر و هیئت عاشق و شوریده این خدمات می‌داند، باوجوداین، تغییر کابینه‌ها را مسئله اساسی ذکر کرده

و بیان می‌دارد: «... کابینه عوض می‌شود و با کابینه جدید یک عده تازه‌وارد که مدتی بیکار بوده‌اند بر کارها سوار می‌شوند و اما گرانی و سختی همیشه باقی می‌ماند و بسیاریان در حین فراوانی، گرسنه و برهنه می‌مانند. سهم و قسمت مردم این کشور همیشه فقر بوده است...»^{۱۱} بررسی و معرفی یکی از جشن‌های بزرگ ایرانیان یعنی «جشن نوروز»، عنوان مقاله پربار دیگری است که به قلم دکتر محمد معین، دانشیار دانشگاه و کارمند پیوسته انجمن ایران‌شناسی آن زمان، منتشر شده است.

دکتر معین در این مقاله، به بررسی جشن سال نو در میان آریاییان می‌پردازد. وی نوروز و مهرگان را مقایسه و به ریشه‌واژه جشن اشاره کرده و جشن فروردگان را معرفی می‌کند. وی همچنین این آیین کهن باستانی را از افسانه‌های ملی‌ای چون شاهنامه استخراج و نوروز عامه و خاصه را معرفی می‌کند. از مطالب او این‌گونه برمی‌آید که در گذشته، پنج روز اول نوروز، عامه و ششم فروردین به بعد، نوروز خاصه بوده است. «... نوروز خاصه را «نوروز بزرگ»، «جشن بزرگ» و «نوروز ملک» هم خوانده‌اند. در پنج روز اول فروردین، حق‌های حشم و لشکر را می‌گزارند و حاجت آنان را روا می‌کردند و چون نوروز بزرگ می‌رسید، زندانیان آزاد و مجرمان را عفو می‌نمودند و به عشرت می‌پرداختند.»^{۱۲}

او همچنین بر اساس کتاب *آثار الباقیه*، نخستین پادشاهی است که دو قسمت نوروز عامه و خاصه را به هم پیوند داد و همه ايام بين آنها را جشن گرفت، هرمز پسر شاهپور می‌داند. دکتر معین به بیان جایگاه نوروز در پیش از اسلام و عصر خلفا می‌پردازد و این سنت زیبا را در آیین تشیع بررسی کرده و با نگاهی به اشعار پارسی که از نوروز یاد کرده‌اند مقاله را به پایان می‌رساند.

گزارشی نسبتاً مفصل از «اولین نمایشگاه هنرهای زیبا در ایران» از موضوعات جالب‌توجه در این مجله است؛ نمایشگاهی با آثار هنرمندان عرصه نقاشی که در کاخ غلامرضا پهلوی برگزار شد و تا سه هفته بعد از عید ادامه داشت. متأسفانه تاریخ دقیقی از زمان برپایی این نمایشگاه در این مقاله به چشم نمی‌خورد. به گفته نویسنده، این نمایشگاه، اولین نمایشگاهی بود که تا آن زمان در ایران برای تشویق هنرمندان برگزار شده و چون به صورت رایگان برپا شد، بالغ بر چندین هزار بازدیدکننده از آن دیدن کردند.^{۱۳}

در مقاله دیگری با عنوان «مباحث علمی» درباره غم و شادی از نظر علمی کنکاش شده و محیط اجتماعی، آب‌وهوا، تربیت خانوادگی و... در این مقاله بررسی می‌شود.

از دیگر موضوعات جالب‌توجه در این شماره، ترجمه مقاله‌ای از مجله علمی *M.S.N*

چاپ لندن است که داروی حشره کش جدیدی به نام مگزان را به خوانندگان معرفی می کند. این دارو ظاهراً از بسیاری جهات بر داروی قدیمی «دی.دی.تی» برتری داشته و برای ازبین بردن حشرات موذی و آفات غله و باغ های میوه به خوانندگان معرفی شده است. در مقاله دیگری به قلم رنه سودر و با ترجمه ط.نائینی، از سفر به ماه سخن می آید و از آن با عنوان «خوابی که نزدیک است به حقیقت بپیوندد» یاد می شود. در این مقاله، از رؤیاهای بشر و کتاب ها و داستان هایی که درباره این رؤیا به رشته تحریر درآمده اند سخن رفته و در نهایت، نتایج و دستاوردهای دانشمندان این عرصه چون مهندس آنانف، رئیس کلوپ هوانوردان فرانسه و مخترع آلت «فلک پیما» را معرفی می کند. این مقاله با ارائه تصویری از وسیله پرنده یا فلک پیمایی که قرار است روزی رؤیای بشر را برآورده کند، این گونه مقاله را به پایان می رساند: «مهندس آنانف کاملاً مطمئن است و یقین دارد که نسل حاضر این جنون بزرگ و مسافرت شگرف را درک خواهد کرد و آرزوی نیاکانش را به مرحله عمل درخواهد آورد.»^{۱۴}

امروزه درمی یابیم این رؤیای در ظاهر دست نیافتنی چگونه جامه عمل به تن کرده و وجود چنین افرادی با افکار بلند تا چه اندازه در هموار کردن این مسیر مؤثر بوده است. در بخش حکمت و زندگی، به مقالاتی تحت عناوین «بقا یا فنا» و «چرا زن گرفتیم» برمی خوریم که از نام هریک از آنها می توان به محتوای مقالات پی برد. داستان هایی از حکمت و زندگی از مطالب این بخش است.

«شاه و جام: ایرج و شیر» به خامه ابوالقاسم فیضی از مقالاتی است که در رده تحقیقات ادبی جای می گیرد. در این مقاله دنباله دار، نویسنده پس از معرفی ایرج میرزا - از شعرای برجسته ایرانی در عصر مشروطیت و از پیشگامان تجدّد در ادبیات فارسی - به بررسی ترجمه های وی می پردازد. در این شماره، یکی از ترجمه های زیبای ایرج میرزا که «شاه و جام» نام دارد و اصل آن از شیر، شاعر شهیر آلمانی است بررسی می شود.

«نقش عجم» نیز عنوان شعری از صادق سرمد، شاعر معروف وقت است که بسیار روان و زیبا و به مناسبت سفر به انگلستان و فرانسه سروده شده است. محتوای شعر درباره مصر و آثار تاریخی آن است.

یک صفحه از کتاب میرزا رجب درباره ایران تألیف اس. لومینتسکی با ترجمه علی جواهر کلام، داستان کولی ها اثر هانری هانیه، نویسنده بزرگ آلمانی و سه سؤال اثر تولستوی، از ترجمه های قابل تأمل در این مجله هستند. ترجمه هایی وزین که نقشی قابل توجه در

معرفی ادبیات اروپایی ایفا کردند.

در مطلبی دیگر از این شماره، کتاب *ارزش مساعی ایران در جنگ (۱۹۳۹-۱۹۴۵)* به خامه محمدخان ملک معرفی و نقد می‌شود. مرتضی کیوان، ناقد کتاب فوق در این باره می‌نویسد: «آقای خان ملک سعی کرده‌اند از نظر یک مورخ بی‌طرف درباره اصول کلی جنگ اخیر و قضایای مربوط به ایران بحث کنند، ولی به نظر می‌رسد بعضی جاها از ابراز عقیده شخصی و طرفداری گنگ و مبهم از یک دولت و بخصوص دفاع از رضاشاه و سعی به تبرئه او در مقابل افکار و احساسات عمومی ایرانیان رنجیده و معرفی او به عنوان یک میهن پرست و مرد تاریخی - که هرگز زیر بار منویات شوم بیگانه نرفته - خودداری نکرده و گاهی اوقات عقاید ایشان متکی به دلیل منطقی نیست و با مشاهدات و تجارب ایرانیان تطبیق نمی‌کند. همچنین بعضی جاها نیز از مقصود اصلی کتاب که معرفی مساعی ایران در جنگ است دور شده و به توصیف و تشریح وضع ایران در زمان رضاشاه پرداخته‌اند.»

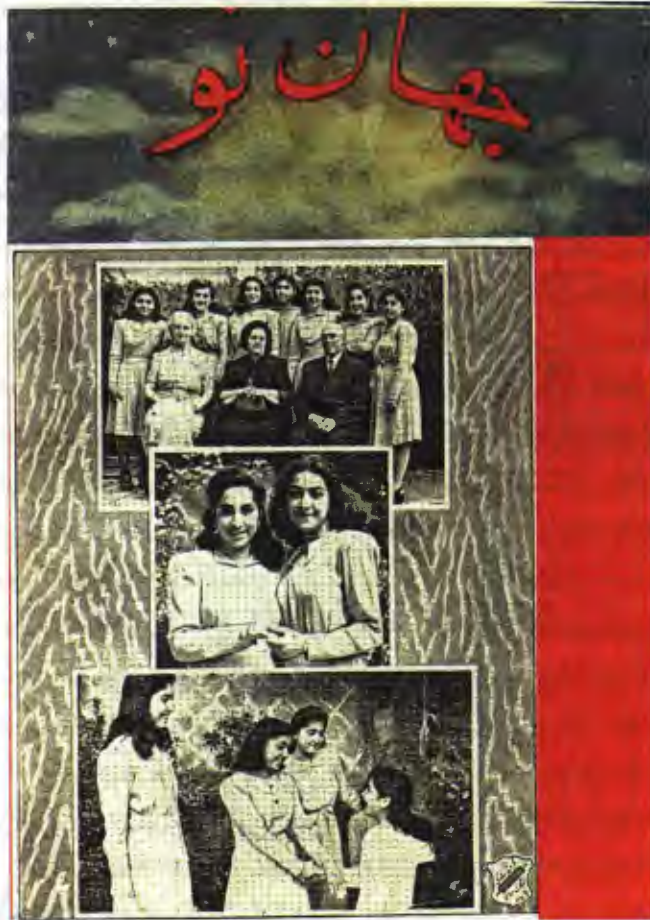
وی همچنین شیوه روایی حوادث و جریانات جنگ اروپا و تماس آن با ایران را جاذب دانسته و معتقد است «مؤلف محترم با منطق روشن و مهارت زیاد، علل حمله ناگهانی و ظالمانه روس و انگلیس به ایران را طوری تشریح کرده‌اند که خواننده با حقایق بسیار آشنا می‌شود و بار دیگر درک می‌کند که در حوادث سیاسی به مواعید و اظهارات و تعهدات دولت‌های بزرگ زیاد معتقد و مؤمن و خوشبین نباید بود.»

و اما «اخبار ایران» عنوان آخرین مطلب از این شماره است. با نگاهی کلی به مطالب این بخش، می‌توان دریافت که موضوعات مورد بررسی با عنوان همخوانی جالب توجهی نداشته و انتظار خواننده را از چنین عنوانی برآورده نمی‌کند.

محتویات این بخش، مطالب انتقادآمیزی است که بازخورد فعالیت مسئولان در جامعه را بیان می‌دارند. از وضعیت اسفناک تیمارستان‌های تهران گرفته تا استفاده از القاب و عناوین پوسیده‌ای که نشان تجدّد دانسته می‌شد و نویسنده از آن تحت عنوان معصیت بی‌لذت یاد کرده است.

کشمکش روس و انگلیس بر سر ایران و به چالش کشیدن رفتار مسئولانی که از چار دیواری ادارات پا فراتر نگذاشته و برای عمران و آبادانی کشور دستور صادر می‌کنند نیز از دیگر موارد تحلیل شده در این بخش بود.

در صفحه پایانی نیز ساعات حرکت قطارها از تهران به شهرهای اهواز، میانه، شاهرود و بندرشاه و تبلیغی از تعمیرگاه شرکت سهامی ایران موتور پایان دهنده این شماره است.



جلد این شماره نیز چون شماره پیشین به تصاویری از دوشیزگان اختصاص دارد. در این تصاویر که بیانگر جشن یازدهمین سال کانون بانوان و مصادف با پایان سومین سال کلاس تربیت مادران است، عده‌ای از دوشیزگان کلاس مزبور که به سرپرستی خانم صدیقه دولت‌آبادی با وظایف و تکالیف مادری آشنا شدند، گواهینامه پایان تحصیلات خود را از جناب آقای بهار، وزیر فرهنگ وقت، دریافت کردند.

فهرست این شماره نیز چون شماره قبلی طبقه‌بندی شده است. این مجله نیز حدود ۴۰ صفحه بوده و شماره صفحات آن دنباله شماره قبلی مجله است. مباحثی از حکمت و زندگی، ترجمه‌هایی از نویسندگان بزرگ، راهکارهایی برای زندگی بهتر و تربیت فرزندانی سالم و... از عمده مطالب این شماره هستند.

در سرمقاله این شماره، نویسنده بالابردن سطح دانش عمومی را از نخستین اهداف مجله دانسته و معتقد است برای رسیدن به این مقصود، اخبار علمی و اجتماعی را از مجلات و کتاب‌های معتبر اروپایی ترجمه و چاپ می‌کند و نویسندگان و مترجمان این مجله نیز همگی دارای تحصیلات عالیه هستند. نویسنده معتقد است جهان نو برای کسانی که خواهان پیشرفت با سیر علوم و دانش امروزی هستند سرگرمی خوبی است؛ زیرا مطالب از بهترین و مترقی‌ترین مطبوعات دنیا اقتباس و ترجمه می‌شوند.

نویسنده همچنین مجله را جولانگاه افکار مردم بی‌غرض دانسته و بیان می‌دارد هر انتقادی که جنبه شخصی نداشته و سازنده باشد در این مجله درج می‌شود و این مهم را می‌توان برتری قابل توجه این شماره نسبت به شماره پیشین دانست. در واقع، جهان نو با مهیا کردن فضایی نقادانه در راه کمال گام برمی‌دارد و پیشرفت خود را مرهون نظرات سازنده و بی‌غرض خوانندگان می‌داند.

اما در نخستین مقاله این شماره، با عنوان «به‌ظاهر جمع - به‌باطن تفریق»، نویسنده از تشکله‌ها، احزاب و اتحادیه‌هایی سخن می‌راند که هر روز بر شمار آنها افزوده می‌شود و در ظاهر به‌نفع جامعه بوده و از ناروایی‌های اجتماعی جلوگیری می‌کنند، اما معتقد است در باطن این‌گونه نبوده و تعدد این گروه‌ها به صلاح جامعه نیست. نویسنده بر این باور است که این تشکله‌ها در پی عناوینی دلربا مقاصد پلیدی را دنبال می‌کنند و هر کس در سایه حزب و دسته، خواسته خویش را به دیگر احزاب تحمیل می‌کند و در نهایت، حل این مشکل را علاوه بر اتحاد و همدلی در گرو داشتن رهبری شایسته می‌داند و معتقد است: «ما جمعیت به ظاهر جمع و به باطن تفریق محتاج مردی هستیم که به قدر خردلی به آینده این کشور باستانی ایمان و اعتقاد داشته باشد. چنین فردی می‌تواند کوه‌های مشکلات را از جا بردارد.»^{۱۵}

در مقاله‌ای دیگر با نام «میراث ایران در دوره استبداد» که از روزنامه تایمز لندن ترجمه شده، به وضعیت ایران در دوره رضاشاه می‌پردازد و فراز و فرودهای ایران را در این دوره ارزیابی می‌کند. در پایان، مترجم این مقاله را دیدگاه و عقیده یک خارجی درباره وضعیت

ایران دانسته و داوری در مورد آن را به خواننده واگذار می‌کند.

«در این دنیای تماشایی» عنوان بخش دیگری است که به مطالبی کوتاه و آموزنده اختصاص دارد. داستانک‌هایی که امروزه فراوان از آن در نشریات روان‌شناسانه یافت می‌شود و حاوی مطالبی انرژی‌زا و امیدبخش هستند.

در مقاله‌ای دیگر با عنوان «بالا تر از سیاهی» نوشته بنده حق^{۱۶} به وضعیّت اسفناک استفاده از تریاک در جامعه آن روز اشاره دارد و بدترین حالت آن را زمانی می‌داند که رؤسا و پشت‌میزنشینان به این مرض مبتلا باشند.

نویسنده بزرگ‌ترین عیب و نقص جامعه را این‌گونه توصیف می‌کند: «در این کشور، دیوانه‌ها به دارالمجانین و مریض‌ها را به بیمارستان (منتقل می‌کنند)، ولی تریاکی‌ها را که به مراتب دچار مرض خطرناک‌تری هستند به پشت میز ادارات و تالار وزارت و وکالت می‌فرستند.»^{۱۷} اعتقاد نویسنده بر آن است که برای خلاصی از این وضعیّت، باید همه احزاب و فرق متحد شوند تا از شر کشت آن خلاص و هرچه زودتر دست افراد آلوده را از دواير دولتی کوتاه و آنها را از اجتماع جدا کنند و این کار را نخستین قدم در راه اصلاحات سیاسی مملکت می‌داند.

داستان «سگ» به قلم دکتر اکزل مونته و با ترجمه س. شیرازپور از دیگر مطالب سرگرم‌کننده این شماره است.

در بخش دیگری با نام «تهران در نظر یک خارجی»، نویسنده (که متأسفانه نامی از آن در مقاله به چشم نمی‌خورد) با خانمی اروپایی که تازه به ایران آمده گفتگویی کرده است. از چیزهای جالب‌توجه برای این مسافر غربی، رها بودن آب در جوی‌ها و استفاده مردم برای مصارف عمومی از این آب‌ها بود و از صحنه‌هایی که او را بسیار متأثر کرد، تازیانه‌زدن به اسب‌های نیمه‌جان و بار کردن بیش از اندازه آنها بوده و به دنبال دلیل سنگ‌پرانی کودکان به سگ‌ها بود.

او همچنین بازبودن راه آب در کوچه‌ها را معضل بزرگی دانسته و یکی از تماشایی‌ترین مناظر شهر تهران را حضور مردان با لباس خواب یا پیژامه در کوچه و بازار بیان کرد و آن را نشانه کم‌ذوقی و بی‌سلیقگی ایرانیان دانست و معتقد بود زنان باید جلوی این‌گونه رفتار مردان را بگیرند.

این مسافر اروپایی همچنین به استفاده زیاد از واژه «ان شاء...» نزد ایرانیان اشاره کرده و آن را دلیلی بر سلب مسئولیت از افراد ذکر کرد.

«پدرند یا پاسبان» عنوان موضوع دیگری است از خاطرات سفر به انگلستان که ظاهر سردبیر آن را نگاشته شده است. این مقاله درباره رفتار عجیب و جالب توجه پاسبان یا پلیس انگلستان است. این خاطره همچنین طرز عملیات اسکاتلندیارد یا آگاهی انگلستان را توصیف می‌کند.

بخش دیگری از صفحات پربار این مجله به بیوگرافی سرجان ملکم، خاورشناس بزرگ انگلیسی، اختصاص دارد. او یکی از نجیب‌زادگان انگلستان و حکمران مشهور انگلیسی در هند بود، لکن شهرت بالایی او به سبب نوشتن تاریخ ایران است. کارنامه کاری وی و نظرات او درباره مسائل تاریخی کشور از مباحث این بخش است.

در بخش مسائل علمی به موضوعات متعددی برمی‌خوریم: «چگونه می‌توان بر خستگی غلبه کرد»، «داستان یک نوزاد خوب»، «جنگ با امراض»، «طرز تربیت بچه ترسو و کم‌رو» و... از موضوعاتی هستند که در این بخش گنجانده شده‌اند. مطالبی مفید درباره فرزندپروری و سلامت که مطالب آن بسیار پربار و به‌روز بود و با اینکه قریب به ۷۰ سال از زمان انتشار آنها می‌گذرد، همچنان کاربردی و قابل تأمل هستند.

«ظرایف و لطایف» نیز بخش کوچک و قابل توجهی را به خود اختصاص داده است. «زهره و منوچهر: ایرج و شکسپیر» ادامه مقاله شماره قبل ابوالقاسم فیضی است که این بار قطعه‌ای از شکسپیر را که ایرج ترجمه کرده و به شعر برگردانده معرفی و نقد می‌کند. داستان «شیلا» نیز از دیگر ترجمه‌های او در این شماره است.

«برای چه می‌جنگند» به ترجمه منصور سراج عنوان مسابقه‌ای است که مجله لینگ برای سربازان آمریکایی طراحی کرد. این مقاله کوتاه، شرح یکی از چهار جواب برنده مسابقه است که از لحاظ طرز تفکر و دیدگاه متفاوت و آزادمنشانه قابل ملاحظه است.

در بخش «مطبوعات تازه»، مرتضی کیوان کتاب‌های حسن در جاده زرین سمرقند اثر جیمز الروی فلکر، شطرنج‌باز اثر استیفن روایک و زنان دانشمند به قلم مولیر را برای خوانندگان معرفی، نقد و بررسی می‌کند.

با درج متن کوتاهی از سردبیر درباره ضایعه ازدست‌دادن فرهیختگانی چون ابوالقاسم آزادمرآی، محمود عمادی و دکتر مسیح آگاه، صفحات پایانی مجله ورق خورده و با چاپ مقاله‌ای به زبان انگلیسی از ابوالقاسم آزادمرآی که برای جهان نو نگاشته بود، این شماره نیز به پایان می‌رسد.